

Islamic Law and Jurisprudence Studies
Volum 18, Consecutive Number 42, Spring (March) 2026
Issn: 2717-0330

Pages 1-22 (Research Article)

Received: December 19, 2023 **Revised:** May 12, 2024 **Accepted:** June 30, 2024

Journal Homepage: <https://feqh.semnan.ac.ir>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



The Jurists Approach to Concomitant of Limited Punishment and Forbidden Rules in the Criminalization of Wine

Boshra Abd Jhodaei^{1*}  **Abbas Ali Soltani²**

1: Assistant Professor, Jurisprudence and Fundamentals of Law, Ferdowsi Mashhad University, Mashhad, Iran Corresponding Author): abdkhodaei@um.ac.ir

2: Associate Professor, Jurisprudence and Fundamentals of Law, Ferdowsi Mashhad University, Mashhad, Iran.

Abstract: There is disagreement among jurists about concomitant of limited Punishment and Forbidden Rules. This effects on criminalization of wine. Some have proven this connection. So, all intoxicants have been criminalized as crimes with limited Punishment. Others do not accept this view. - Which can be considered the view of most of the contemporaries - there is no connection between limited Punishment and Forbidden Rules. This article studies on two points of view. From the results of the second view, Legal principles such as interpretation are in favor of the accused. Hudud topics are one of the most important chapters of penal jurisprudence, which Islamic law pays special attention to, because these topics are related to the most basic crimes that have the most negative effects on the health of the individual and the society. Considering jurisprudence rules such as Dara's ruleit seems that a review is necessary in this debate.

Keywords: Concomitant of limited Punishment and Forbidden Rules, Criminal jurisprudence, Forbidden Rules, Limited Punishment.

- B. Abd Jhodaei; M. Jafari Harandi; R. Farahzadi (2026), "The Jurists Approach to Concomitant of Limited Punishment and Forbidden Rules in the Criminalization of Wine", Semnan University: *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 18(42), 1-22.

Doi: [10.22075/feqh.2024.32709.3789](https://doi.org/10.22075/feqh.2024.32709.3789)

سال ۱۸ - شماره ۴۲ - بهار ۱۴۰۵

صفحات ۲۲-۱ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ - بازنگری ۱۴۰۳/۰۲/۲۳ - پذیرش ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

رویکرد فقیهان به ملازمه میان حدّ و حرمت در جرم انگاری مصرف مسکرات

بشری عبدخدایی^{۱*} / عباسعلی سلطانی^۲

abdkhodaei@um.ac.ir

۱: استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

۲: دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده: رابطه میان حدّ و حرمت در احکام جزایی اسلام به ویژه در جرم شرب مسکر، موجب اختلاف نظر میان فقیهان امامیه شده است. گروهی از فقها میان حدّ و حرمت قائل به ملازمه‌اند. به نظر ایشان شارع برای مسکر مجازات حدّی قائل است و مصرف هر مسکری هر چند غیر خمر باشد گرچه موجب مستی نگردد به علت این که عنوان حرمت دارد موجب ثبوت حدّ است. اما از منظر دیگر فقیهان - که می‌توان آن را دیدگاه گروهی از معاصران دانست - ملازمه ای میان حدّ و حرمت وجود ندارد؛ در نتیجه، مصرف هر مورد مسکرات که حرام باشد لزوماً منجر به ثبوت حدّ نخواهد شد بلکه در برخی موارد، عروض مستی در ثبوت حدّ مورد نظر است. این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی ضمن بیان ادله دو نظریه فوق، نظر مقرون به صواب را مطرح و از آن دفاع می‌کند. آثار دیدگاه عدم ملازمه در ثابت نبودن حدّ برای طیف گسترده ای از مسکرات، توجه به ملاک سکرآوری و مستی و همراهی با قاعده درأ و برخی اصول حقوقی مانند تفسیر به نفع متهّم است.

کلیدواژه: حدّ، فقه جزایی، رابطه حدّ و حرمت، مسکرات، ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی.

- عبدخدایی، بشری؛ عباسعلی، سلطانی (۱۴۰۴) «رویکرد فقیهان به ملازمه میان حدّ و حرمت در جرم انگاری مصرف مسکرات». دانشگاه سمنان: مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان. ۱۷(۴۱): ۲۲-۱.

Doi: [10.22075/feqh.2024.32709.3789](https://doi.org/10.22075/feqh.2024.32709.3789)

مقدمه

مباحث حدود از مهم‌ترین ابواب فقه جزایی است که شارع اسلام اهتمام ویژه‌ای به آن دارد؛ چراکه این مباحث مرتبط با اساسی‌ترین جرائمی است که منفی‌ترین تأثیرات را در سلامت فرد و جامعه می‌گذارد. در حقیقت، حدود، شدیدترین عقوبت‌هایی است که شارع معیناً برای مرتکبان جرائم علیه تمامیت مادی و معنوی قرار داده و بر اجرای آن تأکید ورزیده است. از سوی دیگر، و از جنبه اخروی و تکلیفی، جرائمی که مستلزم حدود است از سوی شارع حرام شمرده شده و به عنوان گناهان کبیره شناخته شده است؛ چرا که شارع با توجه به مفاسد این جرائم از آنها نهی کرده است.

حال این نکته مطرح است که آیا میان حدّ و حرمت ملازمه‌ای وجود دارد؟ و جرم انگاری در خصوص جرائم موجب حدّ با استناد به این رابطه صورت گرفته است یا خیر؟ آن چه از بررسی دیدگاه‌های فقهی به نظر می‌رسد، حاکی از اختلاف آراء فقهی است که در باب شرب خمر و تسری آن به سایر مسکرات رخ داده است. دیدگاه‌هایی که موجب پدید آمدن آثار فقهی در جرم انگاری مصرف انواع مسکرات و نیز تعیین مجازات حدّی برای آنهاست. همچنین در خلال این مباحث جهل به حرمت مسکرات و رفع مسئولیت کیفری آن نیز با استناد به این قاعده مورد توجه فقیهان قرار گرفته است. به عبارتی، شارع برای برخی موارد مصرف مسکرات به صورت صریح مجازات حدّ تعیین نکرده گرچه حرمت آن نزد شارع معین است. در اینجا فقها با توجه به رابطه‌ای که میان حدّ و حرمت قائلند به استنباط فروع فقهی مسأله پرداخته‌اند.

جالب توجه آن که در قانون مجازات اسلامی، فصل ششم که عنوان مصرف مسکرات را به خود اختصاص داده است، رویکرد مشهور را در باب مصادیق مسکرات پذیرفته و طبق ماده ۲۶۴ق.م.ا: «مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حدّ است» حال آن که رویکرد فقیهان بزرگ امامیه از قبیل آیه الله خوئی و موسوی اردبیلی برخلاف آن است به طوری که ایشان تنها دلیل تسری

مجازات حدّ به سایر مسکرات - بجز خمر - را ملازمه میان حدّ و حرمت دانسته اند، در حالی که این ملازمه را ردّ کرده و در صدد نقد ادله آن برآمده اند.

با توجه به قواعد فقهی چون قاعده درأ و نیز اصولی حقوقی مانند تفسیر قوانین به نفع متهم و همچنین اصل احتیاط در نفوس و اضرار به غیر، به نظر می رسد بازبینی در این بحث ضروری باشد.

در خصوص پیشینه نوشتار باید گفت مقالاتی مانند: «تحلیل فقهی ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی» عبدالرضا اصغری، مهدی صالحی مقدم، «ارزیابی مفهوم شرب مسکر با نگرشی به ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی»، میثم خزاعی و دیگران، «موضوع شناسی فقهی و امکان سنجی تطبیق آن بر مصادیق نوپدید (مبانی فقهی تبصره ماده ۲۶۴ ق.م.ا)» محمد سحاقی و مجتبی کرمی، مصرف مسکرات و رویکرد قانون مجازات اسلامی را مورد بررسی قرار داده اند، اما هیچ یک از منظر بحث ملازمه میان حدّ و حرمت به این بحث ورود نیافته اند.

این نوشتار با روش تحلیلی و توصیفی و مطالعه موردی کتب و آثار فقهی این بحث را مورد توجه قرار داده و پس از بیان کلیاتی راجع به تعریف حدّ و حرمت، دیدگاه های فقهی که این رابطه را برای ما روشن می سازد بیان شده است. باید توجه داشت این دیدگاه ها خود مبتنی بر ادله ای است که موجب ارتباط یا عدم ارتباط میان حدّ و حرمت گردیده است.

۱- رویکرد فقیهان به ملازمه میان حدّ و حرمت

۱-۱- تعریف حدّ

حدّ در لغت به معنای جدایی بین دو چیز است به گونه ای که موجب اختلاط نشود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴۰)؛ همچنین حدّ به معنای منع نیز آمده است، لذا به دربان «حدّاد» نیز می گویند (جوهری، ۱۴۱۰: ۴۶۲).

حدّ در اصطلاح فقهی، گاه در معنای حدّ زمین و یا ثغور بلاد به کار می رود که برگرفته از همان معنای لغوی است. اما بیشتر استعمال این اصطلاح در احکام جزائی است

که از بابی با عنوان حدود (جمع حدّ) سخن گفته می‌شود و آن را به اصطلاحی خاصّ در فقه در آورده است. در این اصطلاح خاصّ، حدّ به هر عقوبت شرعی که مقدار آن معلوم است گفته می‌شود، در مقابل تعزیر که عقوبت هایی است که مقدار مشخصی ندارد (مشکینی، بی تا: ۲۰۲؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۶۵). شهید ثانی در مسالک آورده است: حدود جمع حدّ است و شرعاً عقوبت خاصی است که موجب آزردن بدن شده و به واسطه انجام معصیت خاصی که مکلف انجام دهد به او تعلق می‌گیرد و مقدار آن را شارع در همه افرادش مشخص کرده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۴/۳۲۵).

البته برای حدّ معنای اصطلاحی دیگری نیز وجود دارد که آن مطلق هر عقوب شرعی است چه دارای مقدار باشد و یا نباشد که احکام و قواعد زیادی مانند قاعده درأ حدود به شبهات و یا عدم جریان یمین در حدّ با توجه به این معنای اعم است (مشکینی، بی تا: ۲۰۲). آن چه در این نوشتار مورد توجه قرار دارد حدّ به همان معنای اصطلاحی خاصّ بوده که شامل عقوبت های مشخصی است که مقدار آن را شارع مشخص می‌کند.

۲-۱- تعریف حرمت

حرمت از ریشه (ح ر م) به معنای منع است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۴۵). حرام به معنای آن چیزی است که ممنوع شده است. در اصطلاح فقهی نیز حرمت با توجه به معنای لغوی آن، منع و زجری است که از جانب شارع وارد شده است و به واسطه آن استفاده از آن چه مورد منع است، حلال و جایز نیست (ابوجیب، ۱۴۰۸: ۸۵ و ۸۸). سید مرتضی (علم الهدی) در تعریف حرام می‌گوید: «عمل زشت و قبیحی که به وسیله زجر منع شده است» (علم الهدی، ۱۴۰۵: ۲/۲۶۹)؛ به عبارت دیگر، حرمت عبارت است از ملزم کردن شارع مکلف را به ترک فعلی؛ بنابراین حرام، فعلی است که مکلف از سوی شارع ملزم به ترک آن است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۳/۲۹۰).

۳-۱- رابطه حدّ و حرمت

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد هدف از این نوشتار بیان رابطه میان حدّ و حرمت است. در اینباره به طور خلاصه فقها به دو گروه تقسیم شده‌اند: گروهی که میان حدّ و حرمت قائل به ملازمه‌اند. این بحث در میان فقیهان در مسأله شرب مسکر مطرح شده است.

گروهی معتقدند شارع برای شرب مسکر مجازات حدی قائل است لذا استفاده از هر مسکری هرچند غیر خمر باشد و یا تناول آن گرچه موجب اسکار نگردد به علت این که عنوان حرمت بر مسأله بار می شود حد نیز جاری است. اما از منظر دیگر فقیهان که می توان گفت این دیدگاه در میان معاصران بیشتر مطرح شده است ملازمه ای میان حد و حرمت وجود ندارد بلکه شارع ممکن است موضوعی را حرام بداند اما آن موضوع شامل حد نگردد و مجازات حدی برای آن دسته از موضوعات که دقیقاً از جانب شارع مطرح است، قرار دارد.

در ادامه با بیان دیدگاه های فقیهان ادله هر دو طرف را مورد بررسی قرار داده و پس از بیان ثمره هر دو به نتیجه گیری بحث می پردازیم:

الف: دیدگاه اول: ملازمه میان حد و حرمت

همان گونه که بیان شد اکثر فقیهان امامیه قائل به ملازمه میان حد و حرمت هستند. این بحث شامل دو مسأله فرعی می شود: اولاً، مصادیق مسکرات است که بنابر دیدگاه ملازمه، هر محصولی که غالباً سکر آور باشد حرام است و در نتیجه، مجازات مکلفی که مرتکب استعمال آن گردد، حد است. مسأله دیگر نوع استفاده از مسکرات است که ثبوت حد آیا متوقف بر شرب است یا هر نوع تناول که قائلین به ملازمه از آنجا که قائل به حرمت تناول هستند، حد را ثابت می دانند:

شیخ طوسی پس از بیان ادله تحریم شرب خمر می گوید: «پس هنگامی که حرمت آن ثابت شد هر کس از آن بنوشند بر او حد است چه کم بنوشد و چه زیاد؛ به خاطر سخن امام(ع) هنگامی که خمر نوشید پس او را تازیانه بزیند...» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۵۹/۸). همان طور که از گفتار شیخ بر می آید ایشان رابطه مستقیمی میان حد و حرمت قائل است و همین سخن از جانب ابن ادریس نیز بیان شده است (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴۷۳/۳).

محقق حلّی در بحث حد شرب خمر اولین مدخل را در موجب حد بیان کرده و آن را تناول مسکر و فقّاع در حال اختیار و با علم به حرمت می داند. در ادامه زمانی که راجع به حکم آب خرما سخن می گوید می گوید: «اما خرما زمانی که بجوشد اما هنوز به حد

اسکار نرسد در حرام بودنش تردید وجود دارد اما قول بهتر آن است که بر حلال بودن باقی است تا آن که به حدّ اسکار برسد...» (محقق حلّی، ۱۴۰۸: ۱۵۵/۴). از این سخن محقق حلّی نیز بر می آید که آن چه موجب حدّ می گردد استعمال مسکر حرام است و در واقع، ثبوت و موجب حدّ را از منظر حرام بودن آن بررسی می کند که بیانگر دیدگاه ایشان در زمینه ارتباط حدّ و حرمت است.

علامه حلّی نیز در بیان شرایط حدّ شرب خمر پس از بیان شروط بلوغ، عقل، اسلام، اختیار و علم به تحریم می گوید: «بر کسی که نسبت به حرمت آن جاهل است حدّی نیست بلکه حدّ بر عالم به حرمت ثابت است گرچه بر وجوب حدّ جاهل باشد...» (علامه حلّی، ۱۴۱۰: ۱۸۰/۲). این سخن علامه نیز بیانگر دیدگاهی است که ایشان نسبت به رابطه حدّ و حرمت داشته و وجوب حدّ را پس از علم به تحریم ثابت می دانند. مشابه این سخن از جانب برخی فقیهان دیگر نیز بیان شده است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۵۱۳/۴؛ خوانساری، ۱۳۵۵: ۱۲۲/۷).

شهید ثانی نیز بحث حدّ شرب خمر را از منظر حرمت موضوعات بررسی می کند؛ لذا از دیدگاه او حدّ شرب خمر به هر مایع مست کننده حرامی تعلق می گیرد. ایشان می گوید: «شرب مسکر نزد ما تنها به خمر اختصاص ندارد بلکه هر مسکری حرام است و حرمت نیز به مقداری که به حدّ اسکار برسد اختصاص ندارد بلکه هر ماده مست کننده ای که غالباً مست کننده باشد هر چند که بعضی از مردم را مست نکند حرام است...» (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۹۷/۹). سپس ایشان موارد مختلف مانند فقاغ و عصیر عنبی را نیز از منظر حرمت نگاه کرده و پس از اثبات حرام بودن آنها حکم حدّ در صورت تناول و شرب را برای آنها بیان می کند (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۹۹/۹-۱۹۸).

صاحب جواهر نیز مانند فقهای پیشین مسأله را تحلیل کرده است. ایشان در ابتدای بحث می گوید: «در موجب حدّ شرب خمر که این مسأله نزد امامیه بدون خلاف پذیرفته شده بلکه هر دو قسم اجماع بر آن واقع گردیده است تناول مسکر یا فقاغ است گرچه مقدار کمی از آن دو باشد و به واسطه آن فرد مست نگردد؛ چراکه حرمت بر مورد دوم (تناول با مقدار کم) تحقق می یابد گرچه عنوان اسکار بر فرد تحقق نیابد و در صورت

اول نیز به سبب مست کنندگی مقدار زیاد آن حد ثابت است و هر آن چه زیاد آن موجب سکر شود کم آن نیز حرام است و در هر صورت، حکم دائر مدار تناول از آن دو (مسکر و فقاع) می باشد... (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۴۹/۴۱).

در میان فقیهان معاصر نیز این رویکرد دیده می شود. به نظر آیه الله سبحانی حکم روایات در ثبوت حد و حرمت، به شرب خمر و نیذ تعلق دارد اما باید دانست که این سبب غالب است که اگر به سبب غیر غالب ترتب اثر کند، در حکم متحد خواهد بود زیرا آن چه مبعوض نزد شارع است حرامی است که فرد با تناول مسکر مرتکب می شود و موجب زوال عقل است؛ از این جهت هر گونه تناولی حرام است و اقرب آن است که حد نیز واجب است (سبحانی، ۱۴۳۲: ۲۵۴-۲۵۳). ظاهر سخنان امام خمینی (ره) نیز حاکی از آن است که حد و حرمت تلازم دارند، از این جهت ایشان در حکم شرب عصیر عنبی تردید دارند به دلیل آن که مسکر نیست و از این جهت، هم حرمت ندارد و هم موجب حد نیست (خمینی، ۱۳۹۲: ۵۱۱/۱).

فقها در این بحث به دو روایت استناد جسته اند:

۱. روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) که فرمودند: «حد در خمر به موجب نوشیدن از آن است؛ چه کم و چه زیاد» (کلینی، ۱۳۸۷: ۱۲۱/۱۴).
 ۲. روایت دیگر روایتی است که اسحاق بن عمار نقل می کند که از امام صادق (ع) پرسیدم راجع به مردی که جرعه ای خمر نوشیده است؛ امام (ع) فرمود: «۸۰ ضربه تازیانه زده شود، کم آن و زیاد آن حرام است»^۲ (کلینی، ۱۳۸۷: ۱۱۷/۱۴).
- نقد و بررسی روایات:

۱. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) الْحَدُّ فِي الْخَمْرِ أَنْ يُشْرَبَ مِنْهَا قَلِيلاً أَوْ كَثِيراً...».

۲. «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ شَرِبَ حُسُوهُ خَمْرٍ - قَالَ يُجْلَدُ ثَمَانِينَ جَلْدَةً قَلِيلًا وَ كَثِيرًا حَرَامٌ.»

روایاتی که مورد استفاده این دیدگاه قرار دارد، در کتب اربعه شیعه ذکر شده و از حیث سند معتبر است، زیرا روایان آن در سلسله سند، ثقه بوده و بنابر دیدگاه رجالیان، عبدالله بن سنان (شیخ طوسی، ۱۴۲۰: ۲۹۱) و اسحاق بن عمار (شیخ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۳۱) از افراد مورد وثوق امامیه هستند.

از نظر دلالت نیز مطابق این روایات، ملاک حدّ در شرب خمر مسکر بودن نیست بلکه صرف نوشیدن آن هرچند به مقدار کم موجب حدّ می‌گردد. این مسأله در روایت اول و دوم روشن است؛ اما نکته‌ای که فقها از ذیل روایت دوم استخراج کرده و طبق آن قائل به ملازمه میان حدّ و حرمت هستند آن است که در سخن معصوم (ع) آمده است: «يُجَلَّدُ ثَمَانِينَ جَلْدَةً قَلِيلَةً وَ كَثِيرًا حَرَامٌ» یعنی بلافاصله پس از لزوم اجرای حدّ از حرمت خمر سخن گفته شده و دلیل ثبوت حدّ حرمت استفاده کم یا زیاد خمر دانسته شده است. این نکته گرچه با نظر ابتدایی به روایت قابل ملاحظه است؛ اما روایات دیگری نیز وجود دارد که به ظاهر با روایات فوق ناسازگار است و همین امر موجب گردیده است فقیهان در این زمینه نظرات دیگری نیز ارائه دهند که در ادامه ضمن بیان دیدگاه دوم بدان می‌پردازیم.

ب: دیدگاه دوم: عدم ملازمه میان حدّ و حرمت

دیدگاه دوم، عدم ملازمه میان حدّ و حرمت است که از جانب برخی فقیهان به ویژه معاصران مطرح گردیده است:

صاحب ریاض از جمله فقیهانی است که این مطلب را مورد توجه قرار داده است. وی در بحث شرب خمر در بیان شرب آب خرما و کشمش می‌گوید: «در ثبوت حدّ با تناول آب کشمش و خرما یا استعمال آن دو زمانی که فرد به حدّ مستی نرسد دو احتمال وجود دارد که مبنی بر قول به حرمت آن دو یا حلیت آن است که در کتاب اطعمه و اشربه آمد و دیدگاه دوم مشهور تر و قوی است؛ لذا حدّی در آن دو نیست اما احتمال می‌رود که بر قول اول یعنی تحریم آن دو نیز حدّ ثابت نباشد، زیرا میان حرمت و حدّ اصلاً تلازمی وجود ندارد مگر این که اجماع در مسأله وجود دارد» (طباطبائی، ۱۴۱۸: ۶۷/۱۶).

آیه الله خوئی نیز در این زمینه مانند صاحب ریاض مسأله را تحلیل کرده است: «عصیر عنبی قبل از آن که دوسوم آن برود در ایجاب حدّ به مسکرات ملحق نمی‌گردد،

گرچه شرب آن حرام است و این دیدگاه مخالف مشهور است؛ زیرا آنها عصیر عنبی را در احکام آن اعمّ از حرمت و نجاست و حدّ به خمر ملحق کرده اند؛ از روایات جز ثبوت تحریم برای عصیر عنبی چیز دیگری ثابت نیست و ملازمه ای نیز میان حرمت و حدّ وجود ندارد» (خوئی، ۱۴۲۲: ۳۲۹/۴۱).

مرحوم موسوی اردبیلی نیز عصیر عنبی را از دایره مسکرات موجب حدّ خارج دانسته اند؛ به نظر ایشان اگر استعمال عصیر عنبی موجب اسکار گردد، شکی در ثبوت حدّ نیست اما در صورتی که موجب اسکار نشود گرچه با استدلال به روایات حرام است اما نمی توان برای آن حدّ را ثابت دانست: «این که شرب عصیر عنبی موجب حدّ باشد محلّ تردید و اشکال است، زیرا دلیلی بر اجرای حدّ وجود ندارد و ملازمه ای بین حرمت و ثبوت حدّ نیست به ویژه که در اینجا حدّ، از قبیل حقّ الله است که با آمدن شبهه ساقط می گردد» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۵۴۲).

همچنین ایشان نحوه استعمال از مسکرات را نیز در بحث ثبوت حدّ برای مسکرات مورد توجه قرار داده و برخی موارد مانند اکل موردی که مسکر با غیر مسکر ممزوج شده است را گرچه حرام دانسته اما موجب ثبوت حدّ نمی داند. ثبوت حدّ در این فرض، مشروط به وصف مستی است و گرنه، اگر این حالت عارض نشود حدّی بر خوردن آن نیست، زیرا عنوان تناول مسکر محقق نمی شود؛ البته خوردن آن حرام است اما ملازمه ای بین حرمت و ثبوت حدّ نیست» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۷۵۵).

پس از ایشان مشابه همین مطلب از محقق لنکرانی نقل شده است. ایشان نیز مفاد ادله را مجرد حرمتی می داند که اعمّ از ثبوت حدّ است، زیرا ملازمه ای بین حدّ و حرمت نیست (لنکرانی، ۱۴۰۳: ۴۳۷).

دو روایت را می توان در زمینه دیدگاه فقهی فوق مورد توجه قرار داد:

۱. روایت ابوالصلاح از امام صادق(ع) که می گوید: «به امام(ع) گفتم نظر شما راجع به موردی که شارب نیبذ گرفته می شود اما مست نشده است، چیست؟ آیا تازیانه می خورد؟ امام(ع) فرمودند: خیر»^۱ (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۹۶/۱۰).

۲. روایت دوم نیز مشابه روایت اول است با روایان متفاوت؛ حلبی می گوید از امام صادق(ع) پرسیدم که نظر شما راجع به موردی که شارب نیبذ گرفته می شود اما مست نشده است، چیست؟ آیا ۸۰ ضربه تازیانه می خورد؟ امام فرمودند: خیر، و هر مسکری حرام است...^۲ (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۹۶/۱۰).

بررسی روایات:

از نظر اعتبار، این دو روایت نیز صحیح و معتبر دانسته شده و در کتب اربعه ذکر گردیده است. روایان آن نیز ابوالصلاح کنانی (شیخ طوسی، ۱۴۲۷: ۱۲۳) و حلبی (خوئی، ۱۳۷۲: ۳۳۹) بوده که مورد وثوق امامیه هستند.

بنابر دیدگاه فقها، این روایات بدین موضوع اشعار دارد که حد شرب خمر به نیبذی تعلق می گیرد که موجب اسکار گردد؛ گرچه حکم حرمت به نیبذ به خاطر خاصیت مست کنندگی تعلق می گیرد اما حد بر او جاری نمی شود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۴۳۷). شاهد دیگر این برداشت، روایاتی است که در آن حکم شارب خمر و نیبذ آمده است، اما «خمر» به طور مطلق ولی «نیبذ» با قید مسکر ذکر می شود (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۹۷/۱۰).^۳ شیخ طوسی در نقد این روایات آنها را حمل بر تقیه کرده است؛ زیرا عدم اجرای حد در مورد نیبذ از فتاوی اهل سنت است (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۹۶/۱۰). در این خصوص، صاحبان دیدگاه اول نیز از این روایات با تمسک به تقیه عدول کرده اند، به ویژه آن که ذیل روایات قتل اصحاب کبائر، حکم شارب خمر و نیبذ یکسان است^۴ (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۹۷/۱۰).

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ قُلْتُ أَرَأَيْتَ إِنْ أَخَذَ شَارِبُ النَّبِيذِ وَلَمْ يَسْكَرْ أُجْلَدُ قَالَ لَا.

۲. سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) قُلْتُ أَرَأَيْتَ إِنْ أَخَذَ شَارِبُ النَّبِيذِ وَلَمْ يَسْكَرْ أُجْلَدُ ثَمَانِينَ قَالَ لَا وَكُلُّ مُسْكَرٍ حَرَامٌ.

۳. يُونُسُ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: «كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَضْرِبُ فِي النَّبِيذِ الْمُسْكَرِ ثَمَانِينَ كَمَا يَضْرِبُ فِي الْخَمْرِ وَيَقْتُلُ فِي الثَّلَاثَةِ كَمَا يَقْتُلُ صَاحِبَ الْخَمْرِ».

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجْلِدُ فِي قَلِيلِ النَّبِيذِ كَمَا يَجْلِدُ فِي قَلِيلِ الْخَمْرِ وَيَقْتُلُ فِي الثَّلَاثَةِ مِنَ النَّبِيذِ كَمَا يَقْتُلُ فِي الثَّلَاثَةِ مِنَ الْخَمْرِ».

اما فقهای که دیدگاه عدم ملازمه را موجه می دانند تقیّه را در زمینه این روایات صحیح ندانسته اند. به نظر ایشان، روایات در این بحث تعارضی ندارد و قابل جمع است. ظهور روایات حاکی از آن است که تناول نبیذ در وضعیتی که مستی نیابد موجب حدّ نیست و در وضعیّت بروز مستی حدّ را ثابت می کند (خوئی، ۱۴۲۲: ۳۲۶/۴۱؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۴۳۷). روایاتی نیز که حکم خمر و نبیذ در آن یکسان است به مورد نبیذ مسکر اشاره دارد گرچه این روایات از نظر سندی نیز دارای اشکال می باشد. محقق خوئی می گوید: «ثبوت حدّ درباره غیر خمر (در صورت عدم اسکار) بر آن دلیلی دلالت ندارد مگر آن که اجماع راجع به آن تمام باشد که در غیر آن صورت ثابت نمی گردد، زیرا که حدّ مختصّ به شرب خمر است و شرب هر حرامی را عمومیت ندارد در صورتی که به آن، شرب خمر صدق نکند» (خوئی، ۱۴۲۲: ۳۲۸/۴۱).

۲- تحلیل رویکردهای فقهی در پرتو قواعد فقهی

آن چه که تاکنون در نوشتار حاضر مورد بررسی قرار گرفت، تبیین دو دیدگاه فقهی در بحث ملازمه و عدم ملازمه میان حدّ و حرمت بود. مهم ترین مبنایی که هر دو دیدگاه بر آن نظریه خویش را استوار ساخته است نصوصی است که در بحث شرب مسکر میان امامیه وجود دارد و منجر به پدید آمدن دو نظر متفاوت می گردد. در این قسمت از نوشتار، سعی بر آن است که رویکردهایی در پرتو قواعد فقهی تحلیل گشته و روشن گردد که کدام دیدگاه با قواعد عمومی فقه در باب مسائل جزائی همراه شده است. برخی قواعد مربوط عبارت است از:

۲-۱- قاعده درأ (تفسیر به نفع متّهم)

از جمله مهم ترین قواعد فقه جزائی اسلام، قاعده درأ است. مفاد اجمالی قاعده آن است که در مواردی که وقوع جرم یا انتساب آن به متّهم و یا مسئولیت و استحقاق مجازات وی، به جهتی محلّ تردید و مشکوک باشد به موجب این قاعده، بایستی جرم و مجازات را منتفی دانست. این قاعده از نظر حقوقدانان اسلامی از قواعد تفسیری است و با قاعده «تفسیر به نفع متّهم» در حقوق جزایی عرفی، از جهاتی همتابی دارد (محقق داماد، ۱۳۸۳:

(۴۳) و ادله نقلی متعددی مبنای این قاعده فقهی است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۴۷/۲۸) علاوه بر آن که با اصول عقلی نیز سازگار بوده و قبح مجازات در صورت عروض شبهه در نزد عقل ثابت است.

آن چه مجرای قاعده در آن را در موضوعاتی مانند موضوع پیش رو توسعه می بخشد شمول قاعده نسبت به شبهات حکمی ناشی از اجمال و ابهام نصوص و احکام است. در این زمینه، دیدگاه بسیاری از فقیهان حاکی از آن است که در صورت عروض شبهه در اصل قانونی بودن جرم و مجازات، نمی توان جرم را اعمال کرد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۱۷۷). نتیجه چنین رویکردی آن است که در اینگونه موارد که میان دیدگاه های فقهی اختلاف وجود داشته و مبنای هر دو دیدگاه قابل دفاع است، قواعدی مانند قاعده در آن از رویکردهایی که در اعمال مجازات مسامحه داشته، حمایت کرده و آن را موجه می دانند.

۲-۲- قاعده احتیاط در نفوس

از جمله اصول و قواعدی که در فقه جزائی می تواند مورد توجه قرار گیرد، اصل احتیاط در دماء و نفوس است. بدین معنا که در مواردی که شک وجود دارد که حکمی موجب رسیدن ضرر به تمامیت جانی فرد شود، باید از آن اجتناب کرد (خرازی، ۱۳۹۰: ۹۲۸).

این قاعده از قواعد فقهی مهم بوده که بر همه ابواب فقه سایه افکنده و دلیل حاکم بر بسیاری از موضوعات فقهی است (کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۳۰). مبنای این قاعده، برگرفته از نصوص متعددی است که در شریعت بر حفظ جان افراد و سایر امور مهم تأکید ورزیده است (مائده: ۳۲؛ اسراء: ۳۳؛ کلینی، ۱۳۸۷: ۲۷۴/۱۴). از این سو فقیهان در امور مهم شرعی که از جمله آن وجوب حفظ جان و حرمت ضرر است، اصل احتیاط را لازم می دانند و در فقه کیفری جایگاه مهمی داشته و می تواند مبنای قانونگذاری واقع شود (گودرزی و شمش ناتری، ۱۴۰۲: ۱۹).

در امور کیفری، اصل احتیاط، نتیجه برائت متهمان از کیفر را در بردارد، زیرا اعمال مجازات و حدود از جمله موارد اضرار به جان دیگران است. از اینرو، در بحث حاضر نیز

۱. اَلْ رَسُوْلُ اللّٰهِ ص اِذْ رَاَ الْاَحْدُوْدَ بِالسُّبُهَاتِ.

رویگرد عدم ملازمه از جهت آن که موجب عدم اجرای حد در موارد شبهه ناک است همسو با قاعده احتیاط خواهد بود.

۲-۳- قاعده حسم ماده فساد

حسم ماده فساد یا قلع ماده فساد، از جمله گزاره های کاربردی است که می توان آن را در زمره قواعد فقهی قلمداد کرد. نصوص فروانی در قرآن کریم و روایات بر مبعوضت فساد نزد شارع دلالت دارد. در قرآن کریم آیات متعددی به نهی از فساد در زمین (بقره: ۶۰؛ اعراف: ۷۴؛ هود: ۸۵) و منفور بودن مفسدان نزد خداوند (مائده: ۶۴) اشاره دارد. روایات بسیاری نیز در این زمینه از اهل بیت (ع) وارد شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۱/۴) که نمونه بارز آن، روایت امام صادق (ع) راجع به تقسیمات معایش مردم است. آن حضرت فساد را ملاک حرمت بسیاری از معاملات جاری میان مردم دانسته اند: «اما وجوه معاملات حرام، خرید و فروش هر امری است که در آن فساد باشد به طوری که در جهات مختلف اکل و شرب و کسب و ... مورد نهی واقع شود ...؛ همانا خداوند صناعاتی را حرام کرده است که به فساد محض انجامد، مانند برابط و مزامیر و هر آلت لهو و بت ها و مانند آن ...» (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۳۳۳).

گرچه این نصوص، دلالت مطابقی بر وجوب حسم ماده فساد ندارد اما به دلالت التزام می توان وجوب قلع آن را برداشت کرد، زیرا علت آن که شارع از فساد نهی می کند و معاملاتی که در آن فساد محض باشد را حرام و احیاناً باطل می داند آن است که فساد نزد او مبعوض است و هدف شارع از نهی از فساد، نابودی آن در عرصه زندگی متشرعان است؛ لذا هر آن چه موجب حسم ماده فساد گردد در راستای رسیدن به هدف شارع مطلوب و واجب خواهد بود و همین امر مفاد این قاعده را بیان می کند.

رویگردی که قائل به ملازمه میان حد و حرمت می شود، با قاعده حسم ماده فساد همراه بوده و آن را به عنوان مستند خویش قرار می دهد، زیرا زمانی می توان از حسم و نابودی فساد در جامعه اطمینان یافت که علاوه بر حکم تکلیفی، ضمانت اجرا و کیفر نیز برای آن وجود داشته باشد؛ چه بسا گروهی از متشرعان که در مسائل شرعی مسامحه کنند

به صرف حکم تکلیفی حرمت، انگیزه لازم برای ترک افعال مورد نهی شارع را نداشته باشند، اما وجود مجازات ها می تواند در کاهش و نابودی این جرائم فساد انگیز مؤثر واقع شود.

نکته ای که در نقد این رویکرد می توان گفت آن است که گرچه حسم ماده فساد به عنوان یک قاعده فقهی ضروری مدنظر است و از موارد کاربرد آن نیز در بحث مصرف مسکرات می توان نام برد، اما چون در کنار سایر اصول و قواعد قرار می گیرد در این که مستند چنین حکمی واقع شود تردید صورت می گیرد؛ چرا که دایره حدود شرعی مواردی است که ما بی شکّ و تردید نسبت به نظر شارع در خصوص آن قطع یافته باشیم. از این جهت، در خصوص مصرف مسکراتی غیر از خمر که به وضعیّت مستی فرد را نرساند نمی توان قائل به حدّ شد، بلکه نهایت مجازاتی که بر اساس حسم ماده فساد به عنوان عامل بازدارنده باید اعمال گردد، تعزیری است که بر حسب صلاحدید حاکم در صورت های مختلفی بروز می نماید.

۳- تحلیل رویکردهای فقهی در پرتو دیدگاه های حقوقدانان

آن چه محوریت آراء حقوقی را در بحث شرب مسکر تشکیل می دهد، مصادیق مسکرات و نحوه استعمال آن است. امری که در ماده ۱۶۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ دارای ابهام بود، اما در ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ روشن گردید. حقوقدانان بر اساس تفسیر مضیق قوانین جزائی، مواردی را که صراحت قانون برای جرم انگاری وجود ندارد از شمول این بحث خارج می دانند. از این جهت در قانون فعلی در مواردی که بر اساس رویکرد ملازمه حدّ و حرمت قانونگذاری شده است، مجالی برای دیدگاه های تفسیری حقوقی نیست. برای نمونه، چون در قانون مجازات ملاک ثبوت حدّ، خاصیت مست کنندگی واقع شده است، نه آن که مصرف موجب مستی شود، رویکردهای حقوقی به سمت پذیرش ملازمه میان حدّ و حرمت می رود (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۱۱۵) گرچه گروهی از حقوقدانان از عمومیتی که نسبت به مصرف مسکرات در قانون ۱۳۹۲ به وجود آمد به دلیل شدت گرفتن و رویکرد سختگیرانه اظهار نگرانی کردند (اصغری و صالحی مقدم، ۱۳۹۸: ۴۰).

اما در مواردی که همچنان در قانون ابهام وجود دارد - مانند مصرف مواد مخدر و روانگردان - گرچه مصرف این موارد از نظر شرعی حرام است، اما از جهت آن که موضوعاً اختلاف وجود دارد که این مواد موجب بروز مستی می شود یا درجه ای از زوال عقل را به وجود می آورد؟ برخی از حقوقدانان بر اساس اصل تفسیر مضیق قوانین، این موارد را از دایره ثبوت حد خارج دانسته و ملازمه میان حد و حرمت را نمی پذیرند (موسی زاده و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۲۷).

نتیجه گیری

آن چه این نوشتار به بررسی آن پرداخت بیان رابطه میان حد و حرمت است که در موضوع تناول مسکرات به صورت جدی میان فقیهان مطرح گردیده است؛ دیدگاه دو گانه ثبوت ملازمه و عدم ملازمه، در فقه جزائی از چند زاویه می تواند قابل توجه باشد:

اول: مصادیق مسکرات

با توجه به مبانی فقه امامیه و آن چه از نصوص به دست می آید، خمر (شراب انگور) و مانند آن از قبیل نبید (شراب خرما)، نقیع (شراب انجیر)، مزر (شراب گندم)، فقّاع (شراب جو) و ... قطعاً حرام است و هرگونه استعمال آن از قبیل خوردن، آشامیدن و ... تکلیف حرمت را دارد. در این میان، نصوص به شکل صریح برای خمر و فقّاع علاوه بر حرمت، حد را ثابت دانسته اند و در این موضوع، مصرف کم یا زیاد شراب مورد توجه نیست بلکه در هر فرض هر چند مصرف کم که موجب حالت مستی نگردد، حد ثابت است. این بحث میان قائلان دو دیدگاه مشترک است؛ اما آن چه موجب اختلاف می شود ثبوت حد برای سایر مسکرات به ویژه مسکراتی مانند عصیر عنبی و مواد مخدر است که دلیل ثبوت حد برای آن موجود نیست؛ بلکه فقیهان با فرض ملازمه حرمت و حد، ثبوت حد را به هر مسکری تسری داده اند که این امر موجب انتقاد رویکرد دوم، یعنی عدم ملازمه میان حد و حرمت شده است که نتیجه آن، عدم ثبوت حد برای مصرف مسکراتی غیر از خمر و فقّاع می باشد؛ گرچه ثبوت تعزیر بر اساس قاعده «تعزیر برای هر عمل حرامی است» قابل طرح خواهد بود.

دوم: اهمّیت ملاک سکر آور بودن (عروض مستی)

دیدگاه ملازمه میان حد و حرمت به ملک مستی در ثبوت حدّ توجه چندانی ندارد؛ بلکه استعمال همه مسکرات حرام - چه کم و زیاد - موجب ثبوت حدّ خواهد بود؛ اما در رویکرد عدم ملازمه، آن چه حائز اهمّیت می باشد عروض مستی است؛ لذا طبق این دیدگاه، چنان چه استفاده از مسکرات موجب مستی فرد شود، حدّ ثابت خواهد شد؛ زیرا قدر متیقّن از ادله ثبوت حدّ مسکر، برای شخص مست است.

سوم: توجه به نحوه استعمال مسکرات

در رویکرد ملازمه، هر آن چه مصداقی از تناول مسکرات گردد، اعمّ از خوردن، آشامیدن و ... موجب ثبوت حدّ است اما در رویکرد عدم ملازمه، ثبوت حدّ برای موارد استعمالی که خارج از تناولی است که عرفاً استفاده مستقیم از مسکر تلقی می شود، محلّ اشکال است و مثلاً اگر فردی مسکرات را با غیر مسکرات ممزوج کند که حالت مستی نیز به وجود نیارد - گرچه حرامی را مرتکب شده است - اما نمی توان برای آن حدّ را ثابت دانست.

در پایان باید گفت، رویکرد دوم، خود را در مواجهه با قواعدی چون قاعده درأ و تفسیر به نفع متّهم می بیند؛ همچنین حدّ شرب خمر را از موارد حقّ الله دانسته که در آن تسهیل برای بندگان صورت می گیرد؛ لذا از آنجا که جاری ساختن حدّ، ضرر به جان مسلمان است در این زمینه اصل احتیاط را جاری می داند.

باید دانست رویکردی که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اتخاذ گردیده است بر مبنای رویکرد ملازمه میان حدّ و حرمت است که در نتیجه با چالش های فوق مواجه خواهد شد و می توان با توجه به آراء فقهی در آن تجدید نظر نمود.

منابع

- ابن ادريس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی**، ج ۳، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، **تحف العقول**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، **معجم مقائیس اللغه**، ج ۲، تصحيح: عبد السلام محمد هارون، قم: دفتر تبليغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، ج ۳، تصحيح: احمد فارس صاحب الجوائب، بيروت: دار الفكر.
- ابوجيب، سعدی (۱۴۰۸ق)، **القاموس الفقهي: لغته و اصطلاحاً**، دمشق: دار الفكر.
- اصغری، عبدالرضا؛ صالحی مقدم، مهدی (۱۳۹۸)، **تحليل فقهي ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامي**، مجله حقوقی دادگستری، ۱۰۵، ۳۹-۵۸.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، **الروضه البهيه في شرح اللمعه الدمشقيه**، ج ۹، با حاشیه سید محمد کلانتر، قم: داوری.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، ج ۱۴، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، **الصحاح**، تحقیق: عطار، احمد عبد الغفور، بيروت: دار العلم للملایین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۲۸، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق)، **إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان**، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، **شرائع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام**، ج ۴، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۹۲)، **تحریر الوسیله**، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۲)، **معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه**، بی جا: برگرفته از نرم افزار درایه النور ۳.

رویکرد فقیهان به ملازمه میان حدّ و حرمت در جرم انگاری مصرف مسکرات ————— ۱۹

- خوئی، سید ابو القاسم (۱۴۲۲ق)، **مبانی تکمله المنهاج**، ج ۴۱، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی (ره).
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۳۲ق)، **الحدود و التعزیرات فی الشریعه الإسلامیه**، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- طباطبائی (صاحب ریاض)، سید علی (۱۴۱۸ق)، **ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل**، ج ۱۶، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، **تهذیب الأحکام**، ج ۱۰، تصحیح: محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، **فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنّین و أصحاب الأصول**، تحقیق: عبد العزیز طباطبائی، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق)، **رجال الطوسی**، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- عاملی، یاسین عیسی (۱۴۱۳ق)، **الاصطلاحات الفقهیه فی الرسائل العملیه**، بیروت: دار البلاغه.
- علم الهدی (سید مرتضی)، علی بن حسین (۱۴۰۵ق)، **رسائل الشریف المرتضی**، قم: دار القرآن الکریم.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۰۳ق)، **تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله**، قم: مرکز فقه الأئمه الأطهار (علیهم السلام).
- فخرالمحققین حلّی، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق)، **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**، ج ۴، قم: اسماعیلیان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷ق)، **الکافی**، ج ۱۴ و ۴، تحقیق: محمدحسین درایتی، قم: دار الحدیث.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۳)، **محشای قانون مجازات اسلامی**، تهران: مجد.
- گودرزی، سیاوش؛ شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۴۰۲)، **قانونگذاری کیفی در بستر اختلافات فقهی**، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۳۰، ۷-۳۲.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳)، **قواعد فقه (بخش جزایی)**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مشکینی، میرزا علی (بی تا)، **مصطلحات الفقه**، برگرفته از نرم افزار جامع فقه اهل بیت (ع).
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۹)، **قواعد فقهیه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه چاپ و نشر عروج.

- موسی زاده، میثم؛ عباسی، اصغر؛ قربانی، علی (۱۴۰۱)، *بررسی فقهی و حقوقی نقش عرف در مصرف مسکرات (نگاهی به ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی)*، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۶۹، ۲۰۵-۲۴۷.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۴۱، چ ۷، تصحیح: عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲ق)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*، ج ۳، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).

References

- Ibn Idris, Muhammad bin Ahmad (1410 AH), *al-Sara'er al-Hawi for Tahrir al-Fatawi*, Ch 2, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Theological Seminary Society.
- Ibn Shuba, Hasan bin Ali, (1404 AH), *Tohf al-Aqool*, Qom, Madrasin community.
- Ibn Faris, Ahmad bin Faris (1404 AH), *Ma'ajm Maqaays al-Lagha*, corrected by Abd al-Salam Muhammad Haroun, first edition, Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of the Qom Theological Seminary.
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1414 AH), *The Language of the Arabs*, edited by Ahmad Faris Sahib al-Jawaib, 3rd edition, Beirut: Dar al-Fakr for printing and distribution.
- Abu Jaib, Saadi (1408 AH), *Al-Qamoos Al-Fiqhi: Language and Terminology*, Damascus: Dar al-Fakr.
- Asghari, Abdul Reza, Salehi Moghadam, Mehdi (2018), *Jurisprudential Analysis of Article 264 of the Islamic Penal Code*, Judiciary Legal Journal, 105, 58-39.
- Johri, Ismail bin Hammad (1410 AH), *Al-Sahah*, researched by Attar, Ahmad Abdul Ghafoor, Ch. 1, Beirut: Dar Al-Alam for the Millions.
- Hiraamili, Muhammad bin Hassan (1409 AH), *Al-Wasal al-Shia*, Ch. 1, Qom: Al-Bayt Foundation (AS).
- Khoi, Seyyed Abulqasem (1372), *Majam Rizal al-Hadith and the description of Tabaqat Al-Rawat, Bija*: (taken from Daraya Al-Nur 3 software)
- Khoi, Seyyed Abu al-Qasim (1422 A.H.), *Basics of the Completion of Al-Manhaj*, Chapter 1, Qom: Foundation for Revival of the Works of Imam Al-Khoi (RA).
- Sobhani Tabrizi, Ja'far (1432 AH), *Al-Hudud and Ta'azirat in Islamic Law*, Qom: Institute of Imam al-Sadiq (a.s.).

- Shaheed Thani, Zain al-Din bin Ali (1410 AH), *al-Rawda al-Bahiya fi Sharh al-Lama al-Damashqiyyah*, with the margin of Sayyid Muhammad Kalantar, Qom: Bookshop of Davari.
- Shaheed Thani, Zain al-Din bin Ali (1413 AH), *Masalak al-Afham*, Ch. 1, Qom: Al-Maarif Islamic Foundation.
- Sahib Jawahar, Muhammad Hassan (1404 AH), *Jawahar al-Kalam fi Sharh Shar'e al-Islam*, corrected by Abbas Quchani, Ali Akhundi, Ch7, Lebanon: Dar Ihiya al-Tarath al-Arabi.
- Tabatabai, Ali ibn Muhammad Ali (1418 AH), *Riaz al-Masail*, Ch1, Qom: Al-Bayt Institute (AS).
- Tousi, Muhammad bin Hassan (1427 AH), *Rijal al-Tousi*, researched by Javad Qayyumi Esfahani, Qom: Jama'at al-Madrasin fi al-Hawza al-Alamiya Baqm. Islamic Publishing House.
- Tousi, Muhammad bin Hassan (1365), *Tahdeeb al-Ahkam* corrected by: Muhammad Akhundi, Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyyah.
- Tousi, Mohammad bin Hassan (1378 AH), *Al-Massut*, researched by Seyyed Mohammad Taqi Kashafi, third edition, Tehran: Al-Murtazawi Library for the Revival of Al-Jaafari Antiquities.
- Tousi, Muhammad bin Hassan (1420), *list of books of the Shia*, Muhaqq: Tabatabai, Abd al-Aziz, Qom, Al-Muhaqq Tabatabai school.
- Ameli, Yassin Isa (1413 AH), *al-Istlahat al-Faqihiyyah fi al-Rishah al-Amaliya*, Beirut: Dar al-Balagha, Beirut.
- Allameh Hali, Hasan bin Yusuf (1410 AH), *Ershad al-azhan*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Theological Seminary Society.
- Alam al-Hadi, Ali bin Hossein (1405 AH), *Rasaila al-Sharif al-Mortaza*, first edition, Qom: Dar al-Qur'an al-Karim.
- Fazil Mowhedi Lankarani, Muhammad (1427 AH), *Description of the Sharia (Al Hudud)*, Qom: Center for Jurisprudence of the Imams of the Athar (peace be upon them).
- Fazil Mohadi Lankarani, Muhammad (1403 AH), *Details of the Shari'ah in Sharh Tahrir al-Wasilah*, Ch1, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Theological Seminary Society.
- Fakhr al-Muhaqqin Hali, Muhammad bin Hasan (1387 A.H.), *Izbah Al-Fawad*, Qom: Ismailian Institute.
- Koleini, Muhammad bin Yaqub (1387 AH), *Al-Kafi*, researched by Muhammad Hossein Daraiti, Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute.
- Goldouzian, Iraj (2013), *The Islamic Penal Code*, Tehran: Majd.
- Gudarzi, Siavash, Shams Natri, Mohammad Ibrahim, *Criminal legislation in the context of jurisprudential disputes*, Islamic Jurisprudence and Law Studies Quarterly, 30, 7-32.

- Muhaqiq Hali, Ja'far bin Hassan (1408 AH), *Islamic Laws in Halal and Haram Issues*, Chapter 2, Qom: Ismailian Institute.
- Mohaghegh Damad, Mustafa (2013), *Jurisprudence Rules (Penal Section)*, Tehran, Islamic Sciences Publishing Center.
- Meshkini, Mirza Ali (Beta), *Jurisprudential terms*. (taken from the comprehensive software of Ahl al-Bayt jurisprudence)
- Mousavi Bejnordi, Mohammad (1379), *Jurisprudence Rules*, Tehran: Imam Khomeini (R.A.) Editing and Publishing Institute. Aruj publishing house.
- Musa Zadeh, Maitham and others (1401), *jurisprudential and legal investigation of the role of custom in the consumption of intoxicants (see article 264 of the Islamic Penal Code)*, Islamic Jurisprudence and Law Research, 69, 247-205.
- Hashemi Shahroudi, Mahmoud (1382 AH), *Fiqh culture according to the religion of the Ahl al-Bayt* (peace be upon them), Qom: Islamic Jurisprudence Institute on the religion of the Ahl al-Bayt (peace be upon them).